



گزارش

گروه سیاسی

جبار رحمانی، مردم‌شناس در گفت‌وگو با «ایران» تاب‌آوری ایران در جنگ اخیر را در سه سطح دفاعی، اجتماعی و سیاسی تحلیل می‌کند. به گفته این عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، برخلاف انتظارات، نه تنها توان دفاعی فرو نریخت، بلکه انسجام ملی تقویت شد و نظام سیاسی با هم افزایی نهادها مواجه بود. رحمانی تأکید می‌کند که مهم‌ترین عامل این تاب‌آوری، ایده «وطن» و آگاهی تاریخی جامعه ایرانی برای تمایز قائل شدن بین مسائل داخلی و خارجی بوده است. او با تأکید بر تقویت انسجام ملی حول ایده ایران، توصیه‌هایی برای تثبیت آن به عنوان یک دستاورد ملی مطرح می‌کند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

در جنگ رمضان، به نظر می‌رسد شاهد ۳ سطح از تاب‌آوری بودیم: سطح اول در حوزه دفاعی بود که بر خلاف انتظارات، توان دفاعی ایران فرو نیاشید. سطح دوم، تاب‌آوری اجتماعی بود که در آن بر خلاف تصورات، نه تنها اقداماتی علیه حاکمیت صورت نگرفت بلکه انسجام ملی تقویت شد و سطح سوم، تاب‌آوری سیستمی یا سیستم سیاسی بود که هیچ ریزشی در آن شکل نگرفت و در نقطه مقابل، منجر به هم‌افزایی نهادها هم شد. تحلیل کلی شما از این سه سطح چیست؟

در جنگ اخیر، همان‌طور که در سؤال خودتان به آن اشاره کرده‌اید، ما در سه سطح، کارآمدی را شاهد بودیم. اول سطح نظامی بود که توانست در مقابل حمله نظامی آمریکایی-صهیونیستی با بایستد. اگر به تاریخ نگاه کنیم، در نزدیک به ۲۰۰ سال اخیر، ایران در بسیاری از جنگ‌ها و حملات خارجی، موفق نبود. جز جنگ‌هایی که از دهه ۵۰ شمسی به بعد داشتیم، مثل جنگ در عمان یا جنگ با عراق بر سر اروندرود.

قبل از آن، در همه جنگ‌هایمان شکست خوردیم و موفق نبودیم. اما از آن پس، ایران توانست در جنگ‌ها موفق باشد، زیرا زیرساخت‌هایی در ایران فراهم شد که این کار را ممکن کرد. این ساختار با قدمت چند دهه‌ای و میک‌استراتژی بلندمدت ایرانی بوده تا در مقابل نامنی بیرونی خود را مقاوم‌سازی کند. در سه جنگ اخیر (جنگ ۸ساله، جنگ ۱۲روزه

گذری بر تاریخ

پایدار و موفقیت‌های بیشتر داخلی و خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

مقابل حمله خارجی

ارزیابی جبار رحمانی، مردم‌شناس در گفت‌وگو با «ایران» از سه سطح تاب‌آوری در جنگ رمضان

«وطن» فراگیرترین ایده ایستادگی در برابر تجاوز خارجی بود



و جنگ رمضان) نشان داده شد که این تدبیر، تدبیر درستی بوده و ایران توانسته در برابر حمله خارجی‌ها ایستادگی کند.

کنته دوم بحث دولت است. دولت در این شرایط بسیار خوب مدیریت کرد و جامعه دچار بحران نشد. کشور خسارت بسیاری که زده شد خسارت از یک سو به زیرساخت‌هایی که زده شد برمی‌گردد و از سوی دیگر به عملکرد و نقش این زیرساخت‌ها و نهادها در تداوم عملکرد سایر مراکز مهم اقتصادی و فنی کشور. تاکنون دولت با تدابیر مختلف توانسته این مسأله را حل کند. از این جهت، شبکه زیرساخت‌های دولت مدرن ایران توانست جلوی بحران را بگیرد و کارآمدی‌ای را که در شرایط بحران مهم است، به نمایش بگذارد. اما مهم‌تر از همه، بحث جامعه است.

پس در سطح اجتماعی این تاب‌آوری را تحلیل کنیم که چرا چنین اتفاقی افتاد؟ چرا مردم مقاومت کردند؟ به خاطر ایران بوده یا به خاطر عناصر تمدنی و…؟

جامعه ایرانی مهم‌ترین خصیصه‌اش تنوعات و دسته‌بندی‌های داخلی است که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی داشته و در قالب

ارزیابی جبار رحمانی، مردم‌شناس در گفت‌وگو با «ایران» از سه سطح تاب‌آوری در جنگ رمضان

«وطن» فراگیرترین ایده ایستادگی در برابر تجاوز خارجی بود



جنبش‌های اجتماعی، به دنبال تغییرات و اصلاحاتی در سطوح مختلف فرهنگ و جامعه بوده است. به همین سبب جامعه ایرانی یک جامعه پویا و بالنده بوده و همیشه به سمت توسعه فرهنگی و اجتماعی در حرکت بوده است. جنبش‌های اجتماعی مهم‌ترین نماد پویایی و حیات جامعه ایرانی برای توسعه هستند. با وجود وقایع تلخ سال گذشته، این جامعه در دفاع از وطن وارد میدان شد. اگر به داده‌های اجتماعی ایران در دو دهه اخیر، بیاوریم، می‌توانیم ببینیم که جامعه ایران در دفاع از وطن وارد میدان شد. اگر به داده‌های اجتماعی ایران در دو دهه اخیر، بیاوریم، می‌توانیم ببینیم که جامعه ایران در دفاع از وطن وارد میدان شد. اگر به داده‌های اجتماعی ایران در دو دهه اخیر، بیاوریم، می‌توانیم ببینیم که جامعه ایران در دفاع از وطن وارد میدان شد.

دولت در این شرایط بسیار خوب مدیریت کرد و جامعه دچار بحران نشد. کشور خسارت بسیاری که زده شد خسارت از یک سو به زیرساخت‌هایی که زده شد برمی‌گردد و از سوی دیگر به عملکرد و نقش این زیرساخت‌ها و نهادها در تداوم عملکرد سایر مراکز مهم اقتصادی و فنی کشور. تاکنون دولت با تدابیر مختلف توانسته این مسأله را حل کند. از این جهت، شبکه زیرساخت‌های دولت مدرن ایران توانست جلوی بحران را بگیرد و کارآمدی‌ای را که در شرایط بحران مهم است، به نمایش بگذارد. اما مهم‌تر از همه، بحث جامعه است.

پس در سطح اجتماعی این تاب‌آوری را تحلیل کنیم که چرا چنین اتفاقی افتاد؟ چرا مردم مقاومت کردند؟ به خاطر ایران بوده یا به خاطر عناصر تمدنی و…؟

جامعه ایرانی مهم‌ترین خصیصه‌اش تنوعات و دسته‌بندی‌های داخلی است که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی داشته و در قالب

ارزیابی جبار رحمانی، مردم‌شناس در گفت‌وگو با «ایران» از سه سطح تاب‌آوری در جنگ رمضان

«وطن» فراگیرترین ایده ایستادگی در برابر تجاوز خارجی بود



جنبش‌های اجتماعی، به دنبال تغییرات و اصلاحاتی در سطوح مختلف فرهنگ و جامعه بوده است. به همین سبب جامعه ایرانی یک جامعه پویا و بالنده بوده و همیشه به سمت توسعه فرهنگی و اجتماعی در حرکت بوده است. جنبش‌های اجتماعی مهم‌ترین نماد پویایی و حیات جامعه ایرانی برای توسعه هستند. با وجود وقایع تلخ سال گذشته، این جامعه در دفاع از وطن وارد میدان شد. اگر به داده‌های اجتماعی ایران در دو دهه اخیر، بیاوریم، می‌توانیم ببینیم که جامعه ایران در دفاع از وطن وارد میدان شد. اگر به داده‌های اجتماعی ایران در دو دهه اخیر، بیاوریم، می‌توانیم ببینیم که جامعه ایران در دفاع از وطن وارد میدان شد.

دولت در این شرایط بسیار خوب مدیریت کرد و جامعه دچار بحران نشد. کشور خسارت بسیاری که زده شد خسارت از یک سو به زیرساخت‌هایی که زده شد برمی‌گردد و از سوی دیگر به عملکرد و نقش این زیرساخت‌ها و نهادها در تداوم عملکرد سایر مراکز مهم اقتصادی و فنی کشور. تاکنون دولت با تدابیر مختلف توانسته این مسأله را حل کند. از این جهت، شبکه زیرساخت‌های دولت مدرن ایران توانست جلوی بحران را بگیرد و کارآمدی‌ای را که در شرایط بحران مهم است، به نمایش بگذارد. اما مهم‌تر از همه، بحث جامعه است.

پس در سطح اجتماعی این تاب‌آوری را تحلیل کنیم که چرا چنین اتفاقی افتاد؟ چرا مردم مقاومت کردند؟ به خاطر ایران بوده یا به خاطر عناصر تمدنی و…؟

جامعه ایرانی مهم‌ترین خصیصه‌اش تنوعات و دسته‌بندی‌های داخلی است که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی داشته و در قالب

در طول تاریخ، جامعه ایرانی شاهد بوده که با حمله خارجی، هر چند تغییرات سیاسی ایجاد شده، اما در مجموع وضعیت جامعه بدتر شده، استقلالش را از دست داده و هزینه‌های بسیار بیشتری پرداخت کرده است. این تاب‌آوری نشان داد که جامعه ایرانی نیازمند یک چتر فراگیر مفهومی و هویتی است و آن هم ذیل مفهوم ایران و وطن قابل تحقق است. سایر گفتمان‌ها چه در قالب گفتمان‌های مذهبی، چه اقلیت‌های دینی، چه ایدئولوژی‌های مدرن و سبک‌های زندگی مختلف، ذیل این مفهوم کلیت دفاع کنند، بایستند و سبب اقتدارش شوند. در چنین شرایطی، قواعد عملکرد جامعه ایرانی خیلی خوب خود را نشان داد و آشکار کرد.

بحث مهم‌ترین است که این تاب‌آوری را به عنوان یک دستاورد چگونه باید حفظ و تقویت کرد؟ می‌توان گفت دستیابی به اهداف شاید راحت باشد اما سخت‌تر از آن حفظ و تقویت آن است، بنابراین چطور می‌شود این دستاورد را حفظ کرد؟

تاب‌آوری را باید یک پتانسیل، یک قابلیت از پیش نهفته به یک جامعه برای مواجهه با بحران دانست. تاب‌آوری جامعه ایرانی مبتنی بر ریشه‌های ایده مفهوم «وطن» یا «ایران» بود که مردم آن را یک اثر مقدس می‌دانستند که حاضرند برای آن جانفشانی کنند. هر کسی از ظن خودش آن را تفسیر می‌کرد؛ آنکه مذهب شیعه بود به نحوی، آنکه مذهب سنی بود یا اقلیت‌های دینی به نحوی دیگر و آنهایی که سبک

و شرقی بود. در مقابل، سران کشور، فرماندهان و نیروهای جمهوری اسلامی ایران در سپاه پاسداران، بسیج، نیروهای اطلاعاتی و ارتش همگی از بدنه مردمی برخاسته بودند و همین نیروها ابتکار عمل را تحت قدرت بسیج ملت و وحدت‌بخشی به نیروهای مسلح از سوی امام خمینی (ره) در دست گرفتند. پس از ۸ سال مقاومت جانانه که طبیعتاً با تلخی‌ها و شیرینی‌ها همراه بود، در پایان این جنگ تحمیلی، برخلاف دوره‌های پیشین خاکی از ایران جدا نشد و خبری از امتیازات استعماری نبود. این به نوعی طلوع‌های قدرت را از دست داد. این زمان آغاز دوره‌ای بود که معروف به تحمیل شکست‌ها، جنگ‌ها و قراردادهای استعماری و اشغال‌گرانه است. آنچه بیش از همه بر سرنوشت امروز ما اثرگذار بوده است، رویدادهای نزدیک‌تر در تاریخ ایران بوده است. برای همین بررسی وضعیت مقاومت و ایستادگی در طول تاریخ دو قرن اخیر ضروری به نظر می‌رسد.

تهاک حکومتی است که با انقلابی مردمی بر پایه اعتقادات و باورهای آنان بر سرگزار آمده و ریشه‌هایش با ریشه‌های ملی، فرهنگی و مذهبی عامه مردم و انقلابیون یکی است. برخلاف اتفاقی که در آغاز قدرت گرفتن پهلوی، با کودتای سوم اسفند و در ادامه با کودتای ۲۸ مرداد رخ داد، انقلاب اسلامی با اقدام و با حضور مردم پیروزی رسید و پس از پیروزی، در موردی نادر در قیاس با انقلاب‌های پیشین و پسین در دنیا، با انتخابات مختلفی اعم از انتخابات فرمانروم نظام سیاسی، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، انتخابات تأیید قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری به مشروعیتی خاص رسید. به رغم این، جمهوری اسلامی از آغاز کار خود با حوادث مختلفی مواجه شد. چیرا که در این دوره نیز چشم طمع سلطه‌گران از ایران دور نماند و غیر از آشوب‌ها و تلاطمات در دوره‌های مختلف، سه جنگ بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل شد.

برخلاف پادشاهان پیشین، رهبران جمهوری اسلامی ایران در تربیت و جامعه‌سازی با ساخت روایات و تکرراتی بر مبنای مقاومت، وحدت، تلاش، جهاد، ایستادگی و دفاع، مهارت‌های متنوع و نوینی داشتند که این موارد، پیوندی ارگانیک و ناگسستنی میان مردم و حکومت تازه تأسیس ایجاد کرد. نمود آن را می‌توان در مبارزه با تجزیه‌طلبان در همان ماه‌های اولین انقلاب و دفاع مقدس ۸ساله دید. تهاجم رژیم بعث عراق با هدف تجزیه و شکست دادن انقلاب آغاز شد. آن زمان ساختار نظامی و امنیتی ایران آتچنان زنده و کارآموده نبود. اما در طرف مقابل ارتش رژیم بعث تا بن دندان مسلح، مجهز و مورد حمایت دولت‌های قدرتمند نظامی غربی

بسیار بیشتری پرداخت کرده است. این آگاهی تاریخی به اکثریت جامعه ایرانی این حس را می‌داد که چالش را با حمله خارجی نمی‌شود حل کرد. حتی منتقدان خیلی سرسخت نظام سیاسی هم گفتند: انتقادات ما سرچایش، اعتراضات ما سرچایش، اما فعلاً باید از وطن و ایران دفاع کرد. در این شرایط، ایده «وطن» یا به تعبیر بهتر، ایده «ایران» فراگیرترین ایده بود. مردم به واسطه باور به این ایده بود که در همه طیف‌های مختلف و گروه‌های متنوع، پای ایران ایستادند و دل‌داده و دل‌گران با همه توان برای دفاع از ایران وارد میدان شدند. این ایده در این موقعیت بحرانی نشان داد که جامعه ایرانی را چگونه می‌شود تاب‌آور کرد، چگونه می‌شود مقاومت‌سازی کرد، چگونه می‌شود سرمایه اجتماعی را افزایش داد، این‌ها دقیقاً همان مکانیسم‌هایی است که جامعه در این شرایط نشان داد. مهم‌ترین مؤلفه این بود که فراگیرترین مفهوم - یعنی مفهوم «ایران» - که همه اقلیت‌ها، جناح‌های سیاسی و سبک‌های زندگی متفاوت ذیل آن می‌توانستند جمع شوند، به وسط میدان آمد. این انسجام فراگیر ذیل ایده ایران امکان‌پذیر بود. آنچه سبب پیوند گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه شد، همین ایده و آرمان بود. جالب اینکه در همین ایام جنگ و بحران، میزان خروجی‌های ما از مرزها بسیار کمتر از میزان ورودی‌ها بود؛ یعنی برخی از آدم‌ها که منتقد نظام سیاسی بودند، برگشتند تا از وطن دفاع کنند.

همین موضوع چه پیامی برای مسئولان کشور دارد؟

این تاب‌آوری نشان داد که جامعه ایرانی نیازمند یک چتر فراگیر مفهومی و هویتی است و آن هم ذیل مفهوم ایران و وطن قابل تحقق است. سایر گفتمان‌ها چه در قالب گفتمان‌های مذهبی، چه اقلیت‌های دینی، چه ایدئولوژی‌های مدرن و سبک‌های زندگی مختلف، ذیل این مفهوم می‌توانند در یک انسجام به هم پیوسته از این کلیت دفاع کنند، بایستند و سبب اقتدارش شوند. در چنین شرایطی، قواعد عملکرد جامعه ایرانی خیلی خوب خود را نشان داد و آشکار کرد.

بحث مهم‌ترین است که این تاب‌آوری را به عنوان یک دستاورد چگونه باید حفظ و تقویت کرد؟ می‌توان گفت دستیابی به اهداف شاید راحت باشد اما سخت‌تر از آن حفظ و تقویت آن است، بنابراین چطور می‌شود این دستاورد را حفظ کرد؟

تاب‌آوری را باید یک پتانسیل، یک قابلیت از پیش نهفته به یک جامعه برای مواجهه با بحران دانست. تاب‌آوری جامعه ایرانی مبتنی بر ریشه‌های ایده مفهوم «وطن» یا «ایران» بود که مردم آن را یک اثر مقدس می‌دانستند که حاضرند برای آن جانفشانی کنند. هر کسی از ظن خودش آن را تفسیر می‌کرد؛ آنکه مذهب شیعه بود به نحوی، آنکه مذهب سنی بود یا اقلیت‌های دینی به نحوی دیگر و آنهایی که سبک

و شرقی بود. در مقابل، سران کشور، فرماندهان و نیروهای جمهوری اسلامی ایران در سپاه پاسداران، بسیج، نیروهای اطلاعاتی و ارتش همگی از بدنه مردمی برخاسته بودند و همین نیروها ابتکار عمل را تحت قدرت بسیج ملت و وحدت‌بخشی به نیروهای مسلح از سوی امام خمینی (ره) در دست گرفتند. پس از ۸ سال مقاومت جانانه که طبیعتاً با تلخی‌ها و شیرینی‌ها همراه بود، در پایان این جنگ تحمیلی، برخلاف دوره‌های پیشین خاکی از ایران جدا نشد و خبری از امتیازات استعماری نبود. این به نوعی طلوع‌های قدرت را از دست داد. این زمان آغاز دوره‌ای بود که معروف به تحمیل شکست‌ها، جنگ‌ها و قراردادهای استعماری و اشغال‌گرانه است. آنچه بیش از همه بر سرنوشت امروز ما اثرگذار بوده است، رویدادهای نزدیک‌تر در تاریخ ایران بوده است. برای همین بررسی وضعیت مقاومت و ایستادگی در طول تاریخ دو قرن اخیر ضروری به نظر می‌رسد.

تهاک حکومتی است که با انقلابی مردمی بر پایه اعتقادات و باورهای آنان بر سرگزار آمده و ریشه‌هایش با ریشه‌های ملی، فرهنگی و مذهبی عامه مردم و انقلابیون یکی است. برخلاف اتفاقی که در آغاز قدرت گرفتن پهلوی، با کودتای سوم اسفند و در ادامه با کودتای ۲۸ مرداد رخ داد، انقلاب اسلامی با اقدام و با حضور مردم پیروزی رسید و پس از پیروزی، در موردی نادر در قیاس با انقلاب‌های پیشین و پسین در دنیا، با انتخابات مختلفی اعم از انتخابات فرمانروم نظام سیاسی، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، انتخابات تأیید قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری به مشروعیتی خاص رسید. به رغم این، جمهوری اسلامی از آغاز کار خود با حوادث مختلفی مواجه شد. چیرا که در این دوره نیز چشم طمع سلطه‌گران از ایران دور نماند و غیر از آشوب‌ها و تلاطمات در دوره‌های مختلف، سه جنگ بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل شد.

برخلاف پادشاهان پیشین، رهبران جمهوری اسلامی ایران در تربیت و جامعه‌سازی با ساخت روایات و تکرراتی بر مبنای مقاومت، وحدت، تلاش، جهاد، ایستادگی و دفاع، مهارت‌های متنوع و نوینی داشتند که این موارد، پیوندی ارگانیک و ناگسستنی میان مردم و حکومت تازه تأسیس ایجاد کرد. نمود آن را می‌توان در مبارزه با تجزیه‌طلبان در همان ماه‌های اولین انقلاب و دفاع مقدس ۸ساله دید. تهاجم رژیم بعث عراق با هدف تجزیه و شکست دادن انقلاب آغاز شد. آن زمان ساختار نظامی و امنیتی ایران آتچنان زنده و کارآموده نبود. اما در طرف مقابل ارتش رژیم بعث تا بن دندان مسلح، مجهز و مورد حمایت دولت‌های قدرتمند نظامی غربی

بسیار بیشتری پرداخت کرده است. این آگاهی تاریخی به اکثریت جامعه ایرانی این حس را می‌داد که چالش را با حمله خارجی نمی‌شود حل کرد. حتی منتقدان خیلی سرسخت نظام سیاسی هم گفتند: انتقادات ما سرچایش، اعتراضات ما سرچایش، اما فعلاً باید از وطن و ایران دفاع کرد. در این شرایط، ایده «وطن» یا به تعبیر بهتر، ایده «ایران» فراگیرترین ایده بود. مردم به واسطه باور به این ایده بود که در همه طیف‌های مختلف و گروه‌های متنوع، پای ایران ایستادند و دل‌داده و دل‌گران با همه توان برای دفاع از ایران وارد میدان شدند. این ایده در این موقعیت بحرانی نشان داد که جامعه ایرانی را چگونه می‌شود تاب‌آور کرد، چگونه می‌شود مقاومت‌سازی کرد، چگونه می‌شود سرمایه اجتماعی را افزایش داد، این‌ها دقیقاً همان مکانیسم‌هایی است که جامعه در این شرایط نشان داد. مهم‌ترین مؤلفه این بود که فراگیرترین مفهوم - یعنی مفهوم «ایران» - که همه اقلیت‌ها، جناح‌های سیاسی و سبک‌های زندگی متفاوت ذیل آن می‌توانستند جمع شوند، به وسط میدان آمد. این انسجام فراگیر ذیل ایده ایران امکان‌پذیر بود. آنچه سبب پیوند گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه شد، همین ایده و آرمان بود. جالب اینکه در همین ایام جنگ و بحران، میزان خروجی‌های ما از مرزها بسیار کمتر از میزان ورودی‌ها بود؛ یعنی برخی از آدم‌ها که منتقد نظام سیاسی بودند، برگشتند تا از وطن دفاع کنند.

همین موضوع چه پیامی برای مسئولان کشور دارد؟

این تاب‌آوری نشان داد که جامعه ایرانی نیازمند یک چتر فراگیر مفهومی و هویتی است و آن هم ذیل مفهوم ایران و وطن قابل تحقق است. سایر گفتمان‌ها چه در قالب گفتمان‌های مذهبی، چه اقلیت‌های دینی، چه ایدئولوژی‌های مدرن و سبک‌های زندگی مختلف، ذیل این مفهوم می‌توانند در یک انسجام به هم پیوسته از این کلیت دفاع کنند، بایستند و سبب اقتدارش شوند. در چنین شرایطی، قواعد عملکرد جامعه ایرانی خیلی خوب خود را نشان داد و آشکار کرد.

بحث مهم‌ترین است که این تاب‌آوری را به عنوان یک دستاورد چگونه باید حفظ و تقویت کرد؟ می‌توان گفت دستیابی به اهداف شاید راحت باشد اما سخت‌تر از آن حفظ و تقویت آن است، بنابراین چطور می‌شود این دستاورد را حفظ کرد؟

در تقسیم‌بندی این شکست‌ها و پیروزی‌ها و تغییررویه از ضعف و وادادگی به استقامت و پایداری، می‌توان انقلاب اسلامی را نقطه عطفی دانست که در پی آن، روحیه خودباوری و مقاومت جایگزین استیصال، غرب‌زدگی و شرق‌زدگی شد و عقلانیت و تدبیر به جای ترس و وابستگی بر ایران حاکم شد. پیش از انقلاب اسلامی اگر مردم می‌خواستند در مقابل تجاوزگران مقاومت کنند، حکومت‌های ضعیف و سست نه توان و نه اراده ایستادگی را نداشتند. مردم برای مقاومت به همبستگی با ساختار، وحدت‌فرماندهی و حکمرانی، نهاد نظامی قوی، نظم و امکانات مختلف نیاز دارند و مسئول تأمین این موارد، حکومت است. لذا می‌توان نتیجه گرفت هرگاه مانند دوران قاجار و پهلوی حکومت از مردم جدا شد، شکست محتمل خواهد بود و اراده مردم و حکومت با همبستگی، خواهد توان مقاومت را داشتند، پیروزی در دسترس است.



برش

در تقسیم‌بندی این شکست‌ها و پیروزی‌ها و تغییررویه از ضعف و وادادگی به استقامت و پایداری، می‌توان انقلاب اسلامی را نقطه عطفی دانست که در پی آن، روحیه خودباوری و مقاومت جایگزین استیصال، غرب‌زدگی و شرق‌زدگی شد و عقلانیت و تدبیر به جای ترس و وابستگی بر ایران حاکم شد. پیش از انقلاب اسلامی اگر مردم می‌خواستند در مقابل تجاوزگران مقاومت کنند، حکومت‌های ضعیف و سست نه توان و نه اراده ایستادگی را نداشتند. مردم برای مقاومت به همبستگی با ساختار، وحدت‌فرماندهی و حکمرانی، نهاد نظامی قوی، نظم و امکانات مختلف نیاز دارند و مسئول تأمین این موارد، حکومت است. لذا می‌توان نتیجه گرفت هرگاه مانند دوران قاجار و پهلوی حکومت از مردم جدا شد، شکست محتمل خواهد بود و اراده مردم و حکومت با همبستگی، خواهد توان مقاومت را داشتند، پیروزی در دسترس است.